

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مآخذ	ویرایش دوم	تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی

نقدی بر خلع سلاح دین

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ؛ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ؛ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

در دهه‌ی سوم ماه محرم الحرام سال ۱۴۳۸ ه.ق (۱۳۹۵ ه.ش) سخنران محترمی طی پنج جلسه مطالبی عنوان کردند که نفی جنبه‌های جلالی اسلام و منحصر ساختن دین به جنبه‌های جمالی و رحمانی از آن استنباط می‌شد. در ششمین جلسه استاد طیب در نقد مطالب مزبور سخنرانی زیر را ایراد نمودند. در دو شب بعد از آن، سخنران مزبور پاسخ درخوری به نقدهای استاد ندادند.

۱. مقدمه

بنده از محضر برادر و سرور عزیزم عذرخواهی کردم؛ از دوستان حاضر در جلسه هم عذرخواهی می‌کنم؛ که امشب هم خودم و هم بقیه‌ی مستمعین از بیانات ارزشمند و راه‌گشای جناب ایشان محروم می‌شویم. امیدوارم هم ایشان بر ما ببخشایند و هم دوستان حاضر در جلسه.

شاید اولین وجه اینکه بنده به منزله‌ی فرد مسن‌تر در جمع دوستان اهل‌ولاء صحبت کنم، تشکر از جناب ایشان بود، به‌خاطر اینکه دعوت عزیزان را پذیرا شدند؛ در جلسات روضه‌ی اهل‌ولاء تشریف آوردند و همه‌ی ما را از بیاناتشان مستفیض فرمودند. ممنونیم از لطف ایشان به‌خاطر امسال و هم نوبت گذشته‌ای که این محبت را فرموده بودند.

به لحاظ‌های متعدد احترام این دوست بزرگوارم بر بنده واجب است؛ سیادتشان و اینکه ذریه‌ی پیامبر-

اکرم عَلَيْهِ السَّلَامُ هستند؛ علمشان که خدای متعال توانایی و عمق علمی ارزشمندی به ایشان عنایت کرده است؛ به لحاظ اینکه در کسوت پیامبر اکرم عَلَيْهِ السَّلَامُ قرار دارند و روحانیند؛ به اعتبار اینکه مهمان جمع اهل ولاء هستند؛ به لحاظ اخلاص و معنویتی که در ایشان سراغ دارم؛ به اعتبار سجایای اخلاقی‌یی که همه شاهد بودیم و حُسن خلقی که خدا به ایشان عنایت کرده است و موفق هستند؛ فروتنی فوق‌العاده، مهربانی، لطافت روحی و اینکه واقعاً با تمام وجود و با عشق به خدمتی که خدا به ایشان عنایت کرده است، می‌پردازند. شاید کمتر دیده باشیم عزیز اهل منبر و سخنوری را که بعد از اینکه سخنرانی‌شان تمام می‌شود، ساعت‌ها در جمع دوستانشان حضور داشته باشند. دیشب خیلی شرمنده شدم. شاید جزء یکی دو نفر آخر بودم که مجلس را ترک می‌کردم؛ هنوز ایشان تشریف داشتند و در کوچه با دوستانی مشغول صحبت بودند. همه‌ی اینها سجایای بسیار ارزشمندی است که جا دارد هم درس بگیریم و هم قدر بدانیم. این هم یکی از لحاظ‌هایی است که جای قدردانی و احترام دارد. ایشان از نظر سنی هم بزرگتر از ما و شایسته‌ی «وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ»^۱ هستند. من احترام فوق‌العاده‌ای برای ایشان قائلم.

متقابلاً خودم مدعی هیچ‌یک از این فضیلت‌ها نیستم؛ نه در جنبه‌ی علمی، نه عملی، نه اخلاقی و نه در معنویت و معرفت. دست بنده تهی است. رفقا دعا کنند خدا به بنده هم نصیب کند.

با این توضیحی که دادم، فکر می‌کنم تا حدودی جایگاه طرفین این گفتگو را از دید خودم تبیین کرده باشم.

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۱۳ و سیدین طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲ و صدوق، الامالی، ص ۹۴.

اگر امشب گفتگوی علمی‌یی داریم، عزیزان جوان‌تر ما حتماً توجه دارند که صمیمیت و ارادت هیچ تعارضی با مباحثه یا نقد علمی نظرات علمی طرف مقابل ندارد. خدای نکرده نباید تضارب آراء و نقد علمی را حمل بر کدورت یا تعارضی بین شخصیت‌های طرفین یک بحث تلقی کرد.

در طول پنج شبی که توفیق داشتیم در محضر بزرگوار بودیم، تقریباً از همان شب‌های اول، برخی از دوستان، هم خانم‌ها و هم آقایان، سؤالات یا حتی گاهی انتقادهای یا ایرادهایی نسبت به مطالبی که مطرح شده بود، به ذهنشان رسیده بود و بعضی افراد هم به نظرشان رسیده بود در جلسه صحبت کنند، نظراتشان را بگویند و یا در بین فرمایشات ایشان سؤال یا ایرادهایشان را خدمت ایشان بدهند. من از همه‌ی دوستان اهل ولاء استدعا کردم و آنها هم بزرگواری کردند و پذیرفتند که برای حفظ جو آرام و لطیف فضای بحث‌های اخلاقی و معنوی و پیوستگی سخن و پاره نشدن نظم سخنان سخنور، که لازمی مفید واقع شدن مواعظ است، سؤال‌های خود را به بنده منعکس کنند و از ایشان اجازه گرفتم یکی دو جلسه قبل از تمام شدن مجلس ما، جمع‌بندی‌یی از آنچه به بنده منعکس شده، یا احتمالاً به ذهن خود بنده خطور کرده است، داشته باشم و در محضر خود ایشان آن مطالب را مطرح کنم. دو جلسه‌ی بعد از جلسه‌ی امشب هم فرصتی است برای اینکه ایشان ابهاماتی را که در ذهن مخاطبان وجود داشته، یا نقدهایی که به ذهن بعضی دوستان رسیده است، تبیین کنند و پاسخ بگویند. امیدواریم از مجموعه‌ی این گفتگوی علمی بهره‌ی بیشتری نصیب همه‌ی ما شود.

این را هم اذعان می‌کنم که پنج جلسه صحبت، آن هم صحبتی که جنبه‌ی عام دارد، به هیچ‌وجه آیینی همه‌ی اندیشه، تفکر و دیدگاه‌های یک سخنران نیست و نمی‌تواند مبنای قضاوت راجع به کلیت تفکرات یا دیدگاه‌های علمی یک متفکر باشد. ای کاش من توفیق داشتم فراوان‌تر از این، از محضر این بزرگوار بهره می‌بردم و هم آثار مکتوبی اگر می‌بود، مطالعه می‌کردم! اگر نظری هم داشتم با دریافت و شناخت گسترده‌تری به محضر ایشان منعکس می‌کردم؛ ولی چه کنیم که غیر از مواقعی

که افتخار داده‌اند و در مجالس اهل‌ولاء بیاناتی داشته‌اند، نه توفیق حضور در جلسات ایشان نصیب بنده بوده است و نه اثر مکتوب منتشرشده‌ای دارند (من از ایشان سؤال کردم، ظاهراً اجازه نداده‌اند چیزی منتشر شود) و یا مثلاً فایل‌های صوتی‌یی از ایشان باشد که بتوان به آنها مراجعه کرد. بنابراین آنچه در مقام نقد و بررسی علمی مباحث عرض می‌کنم، صرفاً ناظر بر همین پنج جلسه‌ای است که از محضر ایشان بهره بردیم و قطعاً نمی‌تواند آیین‌های تمام اندیشه‌ها و تفکرات ایشان باشد.

در طول پنج جلسه از ابتدا تا پایان در جلسه سخنرانی‌شان حضور داشتم. دیروز که شاید خلاف برنامه‌ی همیشگی ما بود که سه‌شنبه‌ها دیروقت به تهران برمی‌گردیم، تلاش کردم و خدا توفیق داد حتی مجلس دیروز را هم از دست ندهم. خود ایشان هم شاهد بودند تمام این پنج جلسه را با علاقه کنار مستعین خیلی جوان‌تر (من خودم را پیر نمی‌دانم) نشسته بودم و با دقت گوش می‌دادم و با این که بنده هیچ یادداشتی از فرمایشات ایشان بر نمی‌داشتم، وقتی وارد نقد شویم، متوجه می‌شوید که شاید فرمایشات ایشان را با دقت گوش کرده باشم. سعی کردم مطالب را خوب بشنوم و اگر نکته‌هایی هم به‌منزله‌ی ابهامات یا تردیدها مطرح است، خدمت ایشان مطرح کنم و در دلم نگه ندارم. یا آنچه دوستان به من منعکس کردند و من مانع شدم در طول این جلسات مطرح شود، ناگفته باقی نماند.

یقین دارم ایشان بزرگوarter از آن هستند که اگر من وارد نقد بعضی از نکته‌ها شوم، رنجش خاطری از بنده پیدا کنند. امیدوارم دوستان جوان‌تری هم که مثل بنده خدمت ایشان ارادت دارند، صبوری، تحمل و ظرفیت پذیرش نقد را داشته باشند و نرجند. همه‌ی ما ایشان را دوست داریم. اگر نقطه نظری مورد نقد قرار می‌گیرد، نشان‌دهنده‌ی بی‌مهری و جسارت ما خدمت ایشان نیست و لذا جای رنجش ندارد. امیدوارم دوستانی هم که در خدمتشان هستیم، این نقدها را با صبوری گوش دهند و بعد هم علاوه‌بر خود بزرگوار، که من از ابهام‌زدایی‌هایشان بهره‌خواهم برد؛ دوستان دیگر هم اگر برای عرایض من پاسخی داشتند، یا می‌توانستند به رفع ابهامات کمکی بکنند، من پذیرا هستم، در

محضرشان هستم و استقبال می‌کنم.

قبلاً از خدمتشان درخواست کردم، الآن هم دوباره درخواست می‌کنم این لطف را متقابلاً به بنده داشته باشند، علاوه بر اینکه به هر جا از نکته‌هایی که عرض می‌کنم انتقاد و ایرادی وارد است، در دو شب آینده در جمع از ایشان بشنویم و اگر هم نکته‌ی اضافه‌تری بود، من خصوصی خدمتشان برسم و بهره ببرم. علاوه بر آن، این خواهش را دارم مجموعه‌ی حرف‌هایی که ما (اهل ولاء) داریم و خدا عنایت کرده به همت دوستان، هم حرف‌هایی که به صورت شفاهی زده شده، در قالب سی‌دی‌ها درآمده و نیز در قالب سایت اهل ولاء، که هزار و پانصد گفتار ضبط شده در آنجا وجود دارد و قابل دسترسی است و متن پیاده شده‌ی نوشتاری بسیاری از آن گفتارها هم کنار فایل صوتی آنها قرار دارد و قابل‌مراجعه است. هم آنها می‌تواند مورد نقد قرار بگیرد و بنده در تکمیل و تصحیحشان از آن بهره ببرم و هم کتاب‌ها یا مقالاتی که از بنده منتشر شده است، در سایت اهل ولاء در دسترس است. دوستان جلسه هم زحمت کشیده‌اند بخشی از کتاب‌ها و سی‌دی‌ها را همراه خودشان آورده‌اند؛ تا عزیزانی که مایلند داشته باشند، بتوانند مراجعه و دریافت کنند.

امیدواریم این لطف را به‌مثابه یک هدیه‌ی بسیار بزرگ و بهترین هدیه از جانب بهترین دوست که «أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ غُيُوبِي»^۲ دریافت کنیم؛ که نقدهایی را که بر مجموعه‌ی آنچه گفته‌ایم و نوشته‌ایم وارد است، از محضر ایشان دریافت و استفاده کنیم. حرف‌های ما، هم در سایت اهل ولاء قابل دسترسی است و هم از طریق تلگرام، که کانال‌هایی به نام اهل ولاء و کانال عرفان‌ناب و گروه اهل ولاء و امثال آنها تشکیل شده است که مطالبی را که گفته‌ایم، دوستان زحمت می‌کشند و از آن طریق به دست مخاطبان علاقه‌مند می‌رسانند و لذا دسترسی به مجموعه مطابمان کار ساده‌ای است.

^۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۳۹ و حرّعاملی، وسائل الشّیعة، ج ۱۲، ص ۲۵ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۴۹.

احتمالاً ناگزیر می‌شوم مطالب را بسیار فشرده عرض کنم؛ چون وقت جلسه محدود است. تمرکز توجّه عزیزانی که در محضرشان هستیم، به بنده کمک می‌کند، با اطمینان نسبی نسبت به منتقل شدن آنچه می‌خواهم به مستمع بگویم، بحث‌ها را پی بگیرم. با صلواتی وارد بحث شویم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۲. اشتراکات: فضل و رحمت الهی

آنچه در ابتدا راجع به کلیت بحث‌هایی که در جلسات گذشته شنیده‌ایم باید عرض کنم، هم‌افق بودن و هم‌فکر بودنمان در جنبه‌ی توجّه ویژه به فضل و رحمت الهی است. مستندات آن هم کاملاً متقن است. قرآن کریم مشحون از آیاتی است که بر این امر تأکید می‌کند. بعضی از آیات را خدمتتان اشاره می‌کنم تا اگر دوستانمان خواستند، بتوانند مراجعه کنند.

«وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»^۳ خدا دارای فضل عظیم است.

«رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ»^۴ پروردگار و ربّ شما صاحب رحمت گسترده‌ای است. ناظر بر همین آیه در دعای کمیل آمده است: «وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»^۵ امیرالمؤمنین علیه السلام از خدا درخواست می‌کنند

^۳. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۰۵ و آل عمران: ۷۴ و انفال: ۲۹ و حدید: ۲۱ و ۲۹ و جمعه: ۴.

^۴. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۴۷.

^۵. سیدین طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۲، ص ۷۰۶ و کفعمی، المصباح، ص ۵۵۵ و محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، دعای کمیل.

به رحمتی که همه چیز را زیر پوشش خود درآورده است. یا در دعای جوشن کبیر آمده است: «یا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ»^۶ ای خدایی که رحمت او بر خشم و غضب او پیشی گرفت!

«هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»^۷ خدا دارای رحمت عامه و فراگیر و نیز رحمت خاصه است؛ هم رحمت دنیوی، هم رحمت اخروی، هم رحمت ظاهری و هم رحمت باطنی.

«كُتِبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ»^۸ خداوند رحمت را بر خود فرض کرده است و هرآینه شما را در روز قیامت که تردیدی در آن نیست گرد خواهد آورد. و بسیار زیباست که ظهور این رحمت را در «لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ» به ما نشان داده است. بنابراین «يَوْمِ الْقِيَامَةِ» عرصه‌ی ظهور رحمت حضرت حق است.

«وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ»^۹ پروردگار تو هم غنی و بی‌نیاز است و هم صاحب رحمت. اقتضای «الغنی ذُو الرَّحْمَةِ» سخاوت، بذل، بخشش و عطاست.

«وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ»^{۱۰} پروردگار تو غفور، بخشنده و صاحب رحمت است. صاحب رحمت و بخشنده می‌بخشد.

^۶ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۳۸۶ و کفعمی، المصباح، ص ۲۴۹ و محدث قمی، مفاتیح الجنان، دعای جوشن کبیر.

^۷ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۶۳ و سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۲۲.

^۸ سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۲.

^۹ سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۳۳.

«فَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^{۱۱} اگر فضل و رحمت پروردگار نبود، شما همه زیان‌کار بودید.

«وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا»^{۱۲} اگر نبود فضل و رحمت پروردگار جز اندکی از شما، همگی تان پیرو و مرید شیطان می‌شدید.

«وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^{۱۳} اگر فضل و رحمت پروردگار در دنیا و آخرت نبود، به‌اعتبار (ماجرایی که قبل از این آیه است) تهمتی که شما در آن وارد شدید، عذاب عظیمی شما را دربرمی‌گرفت.

«وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^{۱۴} اگر نبود فضل و رحمت پروردگار، احدی از شما ابداً تزکیه نمی‌شدید و راه به تزکیه نداشتید؛ ولكن این خداست که هر که را بخواهد تزکیه می‌کند و خدا شنوا و علیم است.

۱۰. سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۵۸.

۱۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۶۴.

۱۲. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۸۳.

۱۳. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۱۴.

۱۴. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۲۱.

و آیه‌ای که ایشان بر آن تأکید مکرر داشتند: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا»^{۱۵} بگو که به فضل و رحمت پروردگار می‌بایست شما حتماً فرحناک و شادمان باشید. در پرانتز بگوییم **فَضْلُ اللَّهِ وَ رَحْمَتُهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ**. تبلور تامّ فضل و رحمت پروردگار در وجود این دو دُرْدانه‌ی رسول- خداست ﷺ. مظهر تامّ فضل الهی، امام مجتبیٰ ع و مظهر رحمت و اسعه‌ی الهی، اباعبدالله-الحسین ع هستند.

بنابراین در بُعد نگاه به رحمت حضرت حق، کاملاً هم‌سو و هم‌فکر هستیم. در مکتوباتی هم که از بنده منتشر شده است، بر این امر بارها تأکید شده است. به‌عنوان نمونه در کتاب شراب‌طهور، صفحات نودوشش تا صد و نیز صفحه‌های صدوشصت و یک و صدوشصت و دو، بحث نسبتاً فشرده، ولی دقیقی در زمینه‌ی رحمت پروردگار شده است.

این اشتراک ما در آنچه که مورد گفتگو قرار گرفته است.

^{۱۵}. سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۵۸.